

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان متوسطه اول و دوم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته‌باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنیتر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

در مسیر فرود (مهارت حل مسئله)

در مسیر فرود، ششمین مرحله از کوه داستان هفت مرحله‌ای است. در این جا قهرمان برای مشکل و چالش اصلی خود راه حل پیدا می‌کند و آن را به کار می‌بندد. ادامه‌ی قصه‌ی درس‌های قبل را بخوانید و از آن‌ها بخواهید در مورد این مرحله گفت‌وگو کنند.

«چارلی با خانواده‌اش در یک خانه کوچک و فقیرانه زندگی می‌کند. او عاشق شکلات است، اما به دلیل فقر خانواده تنها یک بار در سال می‌تواند شکلات بخورد. (شروع) صاحب بزرگ‌ترین کارخانه شکلات‌سازی در جهان، اعلام می‌کند که پنج بلیط طلایی در شکلات‌هایش قرار داده است. کسانی که این بلیط‌ها را پیدا کنند، می‌توانند از کارخانه دیدن کنند و جوایز ویژه‌ای ببرند. یکی از آن بلیط‌ها در شکلاتی است که چارلی بعد از مدت‌ها خریده و می‌خواهد بخورد. (اتفاق غیر منتظره) چهار بچه‌ی دیگر نیز مانند چارلی به بلیط‌ها دست پیدا کرده‌اند. روز بازدید فرا می‌رسد و همه بچه‌ها با یکی از والدین خود به کارخانه می‌آیند و مشغول بازدید و گشت‌وگذار می‌شوند. یکی از جالب‌ترین اتفاقات در این کارخانه حضور موجوداتی کوچک شبیه به انسان است که به عنوان کارگر در کارخانه در حال کار هستند. صاحب کارخانه به آن‌ها می‌گوید که بچه‌ها باید مراحل را طی کنند و هرکس بتواند از همه‌ی آن‌ها بگذرد، به یک جایزه‌ی ارزشمند می‌رسد. در جریان این بازدید برای هریک از بچه‌ها اتفاقاتی رخ می‌دهد. (ساختن) یکی از بچه‌ها پسری چاق و شکمو است. وقتی رودخانه‌ی پر از شکلات ذوب شده را می‌بیند از خود بی‌خود می‌شود و به داخل رودخانه‌ی شکلات می‌افتد و حذف می‌شود. در ادامه یکی دیگر از بچه‌ها دختری خودخواه و با اعتماد به نفس کاذب است. به خاطر برنده شدن در چند مسابقه و کسب مدال خود را بالاتر از همه می‌داند. او چندماه است که در حال جویدن آدامس است تا بتواند رکورد جدیدی را ثبت کند. او هم در طی بازدید از کارخانه دچار حادثه می‌شود و جایزه‌ی بزرگ این چالش را از دست می‌دهد. در ادامه رئیس کارخانه و همراهان به اتافی می‌رسند که سنجاب‌ها در حال جداکردن مغزهای خوراکی از پوسته‌شان هستند. یکی دیگر از بچه‌ها دختری لوس و زیاده‌خواه است و عادت کرده تا هرچیزی را که می‌خواهد پدرش فوراً برای او فراهم کند. او بادیدن این سنجاب‌ها از پدرش می‌خواهد تا یکی از آن‌ها را برایش بخرد. درنهایت او در حالی که سعی می‌کند یکی از سنجاب‌ها را برای خودش بردارد، به گودال زباله‌ها پرتاب می‌شود. چهارمین کودکی که در حین بازدید از کارخانه دچار حادثه می‌شود پسری باهوش و مسلط به مسائل علمی ولی خودشیفته و عصبی است که همه را بی‌سواد و ابله می‌پندارد. او هم درنهایت بر اثر یک اتفاق جالب از گردونه‌ی رقابت حذف می‌شود و جایزه‌ی بزرگ را از دست می‌دهد. (مشکل و راه حل) چارلی در آزمون‌ها پیروز می‌شود. رئیس کارخانه به او می‌گوید که تمام این مسابقات برای این برگزار شده که او یک تار موی سفید روی سر خودش دیده و احساس می‌کند که باید برای خودش جانشینی انتخاب کند. حالا او می‌خواهد تمام کارخانه را به چارلی بدهد. اما چارلی باید همین‌جا بماند. چارلی بین ماندن و برگشتن پیش خانواده مردد است و برای انتخاب دچار تردید اساسی می‌شود. او بالاخره تصمیم می‌گیرد پیش خانواده‌اش برود. (مشکل اصلی) این تصمیم چارلی باعث می‌شود رئیس کارخانه، به یاد زندگی خودش بیفتد. پدر او دندانپزشک بوده و به خاطر حفظ دندان‌های پسرش، همیشه او را از خوردن شکلات منع کرده‌است. یک روز پدر تمام شکلات‌های او را که به خاطر جشن کریسمس جمع کرده‌بود، جلوی چشمان او می‌سوزاند و این ماجرا تبدیل به یک عقده می‌شود. او تصمیم می‌گیرد از خانواده‌اش جدا شود تا به‌آرزویش برسد و یک

کارخانه‌ی شکلات سازی بزند. او پیش خانواده‌اش بر می‌گردد تا بفهمد چرا چارلی چنین تصمیمی گرفته است. در نهایت به چارلی می‌گوید که می‌تواند خانواده‌اش را نیز با خودش به کارخانه بیاورد. (در مسیر فرود) ...»

مهارت حل مسئله در قصه‌نویسی، تمرینی است برای یادگیری این اصل مهم در زندگی. نوجوانان ترجیح می‌دهند برای رفع مشکلات خود از کسی کمک نگیرند. همین امر معمولاً آن‌ها را با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌کند که اگر مهارت کافی داشته باشند از پس تمام مشکلات برمی‌آیند. داشتن مهارت‌های حل مسئله کمک می‌کند تا سردرگم نشوند، نوعی از استقلال را تجربه کنند و نسبت به سن‌شان به اهداف نسبتاً دشوار دست پیدا کنند.

به دانش‌آموزان بگویید که در مواجهه با مسائل مختلف ابتدا باید مشکل را برای خود تعریف کرده، سپس تمامی راه‌های موجود را به زبان بیاورد. در این مرحله مهم نیست که راه‌حل‌ها درست‌اند یا غلط. سپس از میان گزینه‌ها بهترین‌شان را انتخاب کنند.

تمرین:

قصه‌ی زیر را برای بچه‌ها بخوانید و از آن‌ها بخواهید خودشان را به جای شخصیت اصلی گذاشته، و برای مشکل اصلی، راه‌حلهایی پیدا کنند:

«قرمز، پرنده‌ای است که همراه با بقیه پرنده‌ها در یک جزیره زندگی می‌کنند. یک روز راسوها از جزیره‌ی دیگری می‌آیند و وانمود می‌کنند که می‌خواهند با آن‌ها دوست شوند. قرمز به دوستانش هشدار می‌دهد که به آن‌ها اعتماد نکنند. اما آن‌ها فکر می‌کنند قرمز از سر حسودی این حرف‌ها را می‌زند. راسوها یک جشن برای پرنده‌ها می‌گیرند و همه را به آن‌جا دعوت می‌کنند. سپس درست زمانی که پرنده‌ها حواسشان نیست، تخم‌های آن‌ها را با خود می‌برند. پس از جشن، راسوها می‌روند و دیگر کسی خبری از آن‌ها ندارد. قرمز به جنگ راسوها می‌رود. اما آن‌ها ساختمان‌های بلندی دارند و بسیار قدرتمندند. قرمز از دوستانش کمک می‌گیرد و برای شکست دادن آن‌ها نقشه‌ای می‌کشد ...»

خودتان را به جای قرمز بگذارید و برای نجات تخم پرنده‌ها نقشه‌ای بکشید. پیش از هرچیز مشکل را روی کاغذ به صورت کامل بررسی کنید: تخم‌ها کجا هستند؟ راسوها تخم‌ها را در کدام ساختمان نگه داشتند؟ این ساختمان چقدر محافظ دارد؟ توانایی ویژه‌ی راسوها چیست؟ نقطه‌ی ضعف‌شان چیست؟ توانایی ویژه پرنده‌ها چیست؟ قرمز چه توانایی ویژه‌تری نسبت به دوستانش دارد؟ کدام یک از دوستان قرمز حاضرند به او کمک کنند؟ آن‌ها چه ویژگی خاصی دارند؟ تخم مرغ‌ها شکننده‌اند، چه طور باید حمل و نقل شوند که آسیب نبینند؟

از دانش‌آموزان تان بخواهید راه‌حلی برای مشکل قرمز پیدا کنند و آن را بنویسند. سپس راه‌حل‌ها را باهم مقایسه کنید و در مورد آن‌ها گفت‌وگو کنید.

پس از آن، از بچه‌ها بخواهید در خانه قصه‌ی فوق را با دو مشکل طراحی کرده و از اول تا انتها نوشته، هفته‌ی آینده با خود به کلاس بیاورند.

پایان

پایان داستان جایی است که دیگر مشکل جدیدی به وجود نمی‌آید. قهرمان از پس تمام مشکلات بر آمده و آن‌ها را حل کرده است. حالا او با قهرمان ابتدای قصه فرق دارد. او به تجربیات ارزشمندی دست پیدا کرده که به زندگی او معنای تازه‌ای بخشیده است.

پایان‌بندی درست، زمانی اتفاق می‌افتد که تمام سوالات خواننده پاسخ داده شود و هیچ ابهامی برای او باقی نماند. این که مخاطب پایان‌بندی را دوست داشته باشد یا نه مهم است، اما مهمتر این است که او دیگر سوالی در ذهنش نداشته باشد.

قصه‌ی درس‌های قبل را به صورت کامل، همراه با پایان‌بندی برای بچه‌ها بخوانید:

«چارلی با خانواده‌اش در یک خانه کوچک و فقیرانه زندگی می‌کند. او عاشق شکلات است، اما به دلیل فقر خانواده تنها یک بار در سال می‌تواند شکلات بخورد. (شروع) صاحب بزرگ‌ترین کارخانه شکلات‌سازی در جهان، اعلام می‌کند که پنج بلیط طلایی در شکلات‌هایش قرار داده است. کسانی که این بلیط‌ها را پیدا کنند، می‌توانند از کارخانه دیدن کنند و جوایز ویژه‌ای ببرند. یکی از آن بلیط‌ها در شکلاتی است که چارلی بعد از مدت‌ها خریده و می‌خواهد بخورد. (اتفاق غیر منتظره) چهار بچه‌ی دیگر نیز مانند چارلی به بلیط‌ها دست پیدا کرده‌اند. روز بازدید فرا می‌رسد و همه بچه‌ها با یکی از والدین خود به کارخانه می‌آیند و مشغول بازدید و گشت‌وگذار می‌شوند. یکی از جالب‌ترین اتفاقات در این کارخانه حضور موجوداتی کوچک شبیه به انسان است که به عنوان کارگر در کارخانه در حال کار هستند. صاحب کارخانه به آن‌ها می‌گوید که بچه‌ها باید مراحل را طی کنند و هر کس بتواند از همه‌ی آن‌ها بگذرد، به یک جایزه‌ی ارزشمند می‌رسد. در جریان این بازدید برای هریک از بچه‌ها اتفاقاتی رخ می‌دهد. (ساختن) یکی از بچه‌ها پسری چاق و شکمو است. وقتی رودخانه‌ی پر از شکلات ذوب شده را می‌بیند از خود بی‌خود می‌شود و به داخل رودخانه‌ی شکلات می‌افتد و حذف می‌شود. در ادامه یکی دیگر از بچه‌ها دختری خودخواه و با اعتماد به نفس کاذب است. به خاطر برنده شدن در چند مسابقه و کسب مدال خود را بالاتر از همه می‌داند. او چندماه است که در حال جویدن آدامس است تا بتواند رکورد جدیدی را ثبت کند. او هم در طی بازدید از کارخانه دچار حادثه می‌شود و جایزه‌ی بزرگ این چالش را از دست می‌دهد. در ادامه رئیس کارخانه و همراهان به اتاقی می‌رسند که سنجاب‌ها در حال جداکردن مغزهای خوراکی از پوسته‌شان هستند. یکی دیگر از بچه‌ها دختری لوس و زیاده‌خواه است و عادت کرده تا هر چیزی را که می‌خواهد پدرش فوراً برای او فراهم کند. او با دیدن این سنجاب‌ها از پدرش می‌خواهد تا یکی از آن‌ها را برایش بخرد. درنهایت او در حالی که سعی می‌کند یکی از سنجاب‌ها را برای خودش بردارد، به گودال زباله‌ها پرتاب می‌شود. چهارمین کودکی که در حین بازدید از کارخانه دچار حادثه می‌شود پسری باهوش و مسلط به مسائل علمی ولی خودشیفته و عصبی است که همه را بی‌سواد و ابله می‌پندارد. او هم درنهایت بر اثر یک اتفاق جالب از گردونه‌ی رقابت حذف می‌شود و جایزه‌ی بزرگ را از دست می‌دهد. (مشکل و راه حل) چارلی در آزمون‌ها پیروز می‌شود. رئیس کارخانه به او می‌گوید که تمام این مسابقات برای این برگزار شده که او یک تار موی سفید روی سر خودش دیده و احساس می‌کند که باید برای خودش جانشینی انتخاب کند. حالا او می‌خواهد تمام کارخانه را به چارلی بدهد. اما چارلی باید همین‌جا بماند. چارلی بین ماندن و برگشتن پیش خانواده مردد است و برای انتخاب دچار تردید اساسی می‌شود. او بالاخره تصمیم می‌گیرد پیش خانواده‌اش برود. (مشکل اصلی) این تصمیم چارلی باعث می‌شود رئیس کارخانه، به یاد زندگی خودش بیفتد. پدر او دندانپزشک بوده و به خاطر حفظ دندان‌های پسرش، همیشه او را از

خوردن شکلات منع کرده‌است. یک روز پدر تمام شکلات‌های او را که به خاطر جشن کریسمس جمع کرده‌بود، جلوی چشمان او می‌سوزاند و این ماجرا تبدیل به یک عقده می‌شود. او تصمیم می‌گیرد از خانواده‌اش جدا شود تا به‌آرزویش برسد و یک کارخانه‌ی شکلات سازی بزند. او پیش خانواده‌اش بر می‌گردد تا بفهمد چرا چارلی چنین تصمیمی گرفته است. در نهایت به چارلی می‌گوید که می‌تواند خانواده‌اش را نیز با خودش به کارخانه بیاورد. (در مسیر فرود) چارلی و خانواده‌اش خانه‌ای در نزدیکی کارخانه می‌گیرند. رئیس نیز خانواده‌اش را کنار خانه‌ی چارلی می‌آورد و آن‌ها با خوشی کنار هم زندگی می‌کنند. چارلی هم به عنوان جانشین رئیس کارخانه شکلات سازی انتخاب می‌شود. (پایان) «

در مورد قصه و پایان‌بندی آن با بچه‌ها گفت‌وگو کنید. از آن‌ها بپرسید چه نکاتی از این قصه یاد گرفتند؟ آیا شخصیت‌های قصه هم چیزهایی یاد گرفته‌اند؟ هر کدام از آن‌ها چه تفاوتی با خودشان در زمان شروع داستان دارند؟ آیا پایان قصه را دوست داشتند یا نه؟

تمرین:

از دانش‌آموزان تان بخواهید برای قصه‌ی فوق، پایانی متفاوت از آن چه شنیدند طراحی کنند. آن را در خانه بنویسند و هفته‌ی بعد با خود به کلاس بیاورند.